

## «بسم نام خالق آرامش»

نام کتاب: وصیت نامه امام علی (ع) به فرزندش امام حسین (ع)

نام نویسنده: فطیمه الزهراء (ع)

تعداد صفحات: ۱ صفحه

تاریخ انتشار: \_\_\_\_\_



آنچه میخوانید وصیت امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) است که پس از بازگشت از صفین در قریه "حاضرین" نوشت. وصیتی و سفارش است که به همه فرزندان اسلام و عموم مومنان است.

"فرزندم، این نامه از پدریست که گرمی آفتاب زندگی به سردی و غروب مینشیند. معترف به مصائب توست روزگار است و سال و ماه و ساعات از او روی برتافته اند، و هر دم بر برگ نزدیک میشود. پدری که به پیشامدهای این جهان ناپایدار و بی مقدار سر فرود آورده و در خانه مردگان سکنی خواهد گزید و فردا بزم سفری جاودانه از این گیتی کوچ خواهد کرد. چنین پدری به فرزند جوانش - که آرزومند چیزی است که آنرا نمیباید - سخن میگوید فرزندی که - بهر حال مانند تمام موجودات - هلاک خواهد شد و آماج تیرهای بلا و هدف درد ها ورنجها و گروگان مصائب سخت روزگار غدار است. موجودی که خذنگهای زهر آگین و تلخ را نشانه است و به اضطراب اسیر چنین ناگواریهایی ناپایدار است. سوداگر سرای فریب و فساد و امدار سرگها و نابودی ها، هم بیام و آمیخته با غمها و قرین و جلیس با محتها نشانه و هدف آفتها و شهید هوی و هوس دیگران و سرانجام... جانشین مردگان است.

اینک پس از ثنا و ستایش پاک آفریدگار و درود فراوان بر رسول خدا، پسرم تو بدان: من آن هنگام در چیزی که برایم انکار گردیده میتگرم - چون میبینم جهان از من روی میگیرد و روزگار با من به سرکش میگراید و آخرت از من استقبال میکند، احساس میکنم که هر چیز دیگر از یادم میرود و جز بکار خویش بچیزی رغبت ندارم. اما لحظه ای که فارغ از دیگران غم خویش میخورم و هوس مرا آسوده میکند حقیقت در برابر رخ مینماید و جلوه گر میشود. چنین کیفیتی است که مرا بکوشش و تلاش وامیدارد، که بی تردید باز بچینه نیست و از آمیختگی بدو غم و ریا، فرسنگها بدور است. نیک که میتگرم تو را جزیی از خود می یابم - نه خطا گفتم - بلکه تو همه وجود منی و چنان آمیخته با منی که اگر چیزی بتو روی آورد، درست مانند آنست که بمن روی آورده است. از اینرو اگر مرگ تو را فرا گیرد، چنان است که مرا گرفته - بدین سبب کار تو مرا در اندوه افکند، بدانگونه که کار خودم مرا به غم و افسوس میکشاند. بنابراین وصیت خویش را بر تو نوشتم در حالی که خواه برای تو بسمان یا بمریم از اجرای آن بدست تو دل قوی دارم و مطمئن هستم.

پسرم، تو را به پرهیزگاری و ترس از عقوبت خدا و متابعت و فرمانبرداری از آفریدگار وصیت و سفارش میکنم. ویرانه دل را بنور تابناکش آباد گردان، در رشته مهر با او ببندگی و دلپساری چنگ بزن. زیرا هیچ رشته و پیوسته استوار تر از پیوستگی و همبستگی با ذات لایزال کردگار متعال نیست. دل به حکمت و موعظت شاد و بیگ بگردان و یاد بهاد مرگ در زهد و پارسایی بکوش نرم رفتار و نیک گفتار باش. پیوسته به یقین ایمان خویش را قوی کن و تقدیر مرگ را بخود بقولان و نفس خود را به اعتراف در ناپایداری دنیا و ادا ساز. آرام و آزار و مصائب سخت روزگار را به او بنمایان، و زشتی دهر و نا ملایسات روزها را نکتسه به نکتسه برایش برخوان و او را بتسرا -

با دفتر زندگی گذشتگان او را آشنا ساز و حوادث و رویدادهایی را که بر آنها گذشته است برای او باز گو. نفس خویش را در بارگاه های ویران سفر ده و بگذار آثار آنهمه قدرت و عظمت را نیک بنگرد و دریابد که از کجا تا بکجا رسیده اند و چگونه از دوستان جدا شده اند و در سراهای تنگ و تاریک مانده اند. در این موقع بخویش فکر کن که دیر یا زود تو نیز همچون یکی از تن های تنهای آنها خواهی بود.

"پسرم، خانه ایمان و آرامگاه خویش سامان ده و جهان جاودان را بساری ناپایدار مفروش. سخنی که نیک نماندنی مگو و بیرومان آنچه مربوط بتو نیست گفتگو مکن. در هر راهی که گام مینهی، مبادا به گسراهی برسی. زیرا در گسراهی و سرگردانی خویشنداری بسی بهتر از انجام کاری است که سرانجامش هراس است و نگویناری. مروج نیکوکاری باش تا خود از نیکو کاران گردی. پیوسته با دست و زبان نیکان رابه کارهای پسندیده تشویق کن و از کردار نکوهیده باز دار، و هر چند که میتوانی، با بدکاران و پلید فکران میامیز و از آنها دوری گزین. در راه خدا جهاد کن چنان جنگ و جهادی که شایسته قدر اوست. هر جا و در هر موقعیتی هر چند که سختی کنی و به رنج افنی، برای حق و عدالت قیام کن. در کار دین پیوسته دانشجو باش و خویشتن را بناملایمات عادت ده. صبور بودن در راه حق، نیکوخیی است. در همه کارها بکردگار خویش توکل کن زیرا تو به پناهگاهی استوار و نیرومند روی آورده ای. آنگاه که دست نیاز بسوی خدای آوری، با همه دل و جان نیازمند باش. زیرا جود و کرم تنها از خداست. در کارها بسیار از او طلب خیر و نیکی کن، و در وصیت و سفارش من اندیشه بکار بند و چیزی را از یاد میر.

زیرا نیکوترین گفتار سخنی است که شنونده را سودی سرشار و بهره ای بشمار بخشد، سخن پاک و نیک آن نیست که بهره ای نرساند و آموختن دانشی که پسندیده نیست بی تردید علم و عملش هم سودمند نخواهد بود. فرزندانم! به خود میتگرم که خرد سالی و جوانی به پیری و سالخوردگی رسانیده ام و سستی و ناتوانی در وجود خانه کرده، از اینرو در وصیت بتو شتافتم. دیدم در آن حکمت و عبرت است. بیم داشتم که مبادا مرگم فرا رسد، و آنچه در خاطر م میگذرد بتو نرسانده باشم و با همانگونه که تنم را ضعف و سستی فرا میگردد، اندیشه ام نیز سستی پذیرد و سخنان بسیاری ناگفته ماند. ترسیدم که مبادا پیش از آنکه وصایایم را بشنوی هوس بر تو چیره گردد و فتنه و آشوبهای دنیا همچون اشتی مست و سرکش، تو را بعضیان کشد.

دل جوان همچون زمین بکر و خاک پاک است. هر دانه ای که در آن افتد نشو و نما یابد. از اینرو پیش از آنکه خاک دلت ناپاک و سخت شود، عقل و خردت اسیر هوس گردد در تربیتت کوشیدم. من با دانش خویش بسوی تو شتافتم تا اینکه تو نیز در درک حقایق بشتابی و درست بدانسان که آژمودگان و تجربه دیدگان، کیفیت کار خود را میباشند، تو نیز بکار خویش آگاه گردی. اگر چنین کنی، بی نیاز از رنج و معاف از آژمون و تجربه خواهی شد. آنچه ما از دانش و معرفت و ایمان کسب نموده ایم تو نیز همانها را بدست آر چه بسیار چیزهایی که بر ما پوشیده بود بر تو عیان گردد. "فرزندم! اگر چه عمر من همچون کسانی که پیش از من بودند دراز نبود، اما با همان مهلت کوتاه، بدیده کاوشگری در کارشان نگریستم و در چندو چون کار و اخبار و سرگذشت زندگیشان اندیشه کردم و در احوال و اوضاع بازماندگانشان، مطالعه نمودم و چنان در این بحر مستغرق بودم که دریافتم خودم هم یکی از آنها هستم بلکه - فراتر از این - در سیر تاریخ و چگونگی زندگیشان چنان با آنها آمیختم، که احساس کردم با اولین و آخرینشان زندگی کرده ام! آنگاه پاکای دنیا را از ناپاکیش و سودش را از خسرانش باز شناختم. اینک از هر کاری، نیک و پسندیده و گزیده اش را برای تو انتخاب نموده و مجهول و ناپسندش را از تو دور ساختم. آنچه پدری مشفق و مهربان در حق فرزندش روا و سزا میداند، در حق تو کردم و گفتم، و در این سخن اراده نمودم که تو را حکمت و ادب آموزم، تا در این عنوان جوانی و روزگار شاد کامی، تربیت یافته و پند آموخته شوی و اراده ات بهتر کاری، پاک و کردار ت راست باشد. برای ادب آموزی و حکمت اندوزی، از کتاب خداوند مهربان، ابتدای سخن میکنم. کتابی و شریعتی که فرامین و احکام حلال و حرام را بما آموخته و تجاوز و تخطی از آنها را نکوهش فرموده و ناپسند دانسته است. بیم از آن داشتم که مبادا همانگونه که مردم در عقاید و احکام، از هوسها و اندیشه های اشتباه خویش متابعت نمودند، تو نیز مانند آنان بلغزش و خطا افنی. از اینرو آگاه گردنت بر آن امور نزد من سزاوارتر از آن بود که تو را در کار خویش رها کنم و دل از هلاک تو آسوده سازم. بر این امید که آفریدگار منان تو را در انجام این وظایف پاک و مقدس، توفیق دهد و بسوی مقصد نیک هدایت فرماید.

اکنون سفارش و توصیه من با تو چنین است:

فرزندم، نیکو ترین چیزی که دوست دارم تو از وصیتم بجای آوری، پرهیز و ترس از خداست. به آنچه آفریدگار بر تو لازم و واجب شمرده اکتفا کن و قدم براهی گذار که نیکان و گذشتگان و پدر و مادر و خانواده ات در آن طریق گام نهاده اند. زیرا آنان خوشبختند و پرهیزکار و دانا بوده، و در اینراه چیزی را فرودگذارند. همانگونه که تو می اندیشی و میتگری آنها نیز فکر کردند و دیدند، تا اینکه سرانجام این دو کار این بود که به غایت خوشبختی و نهایت انجام تکلیف و وظیفه خود رسیدند. پس اگر نفس تو از طریق آنان سراز زد و نخواست همانسان که آنان اندیشیدند و دیدند، بنگرد و ببندیدش و در این دو یقین کن، تو او را به متابعت مجبور کن و خواهان همین روش پسندیده باش. البته با تحصیل و تعلیم و دانایی، آنرا طلب و در سخنان در هم و شهبه آمیز خود را رها مساز، تا ناگزیر بشماجره و متنازع شوی و پیش از آنکه با بر این راه گذاری، از پروردگار یاری بخواه و برای کسب موفقیت و اجتناب از هر بدی و یاسختی که به باطل آمیخته باشد با بضلالت گمراهیت کشاند، تنها بخداوند مهربان پناه ببر و رو بسوی او آور. آنگاه پس از اینکه مطمئن شدی که دلت صاف و پاک گشته، و فروتن و فرمانبردار شده، و تمرکز فکر و اندیشه یافته ای و مقصدت تنها در این راهست در آنچه من بتو سفارش و توصیه میکنم، بدقت اندیشه کن. اما اگر آنچه را که خواهانی، از تمرکز فکر و پاکای دل از پلیدی هابست نیابودی، بدان که در این حال بکور اشتی میمانی که در ورطه های و همناک و دره های تنگ و تاریک فرو افتاده است. چنین کسی که براه اشتباه رود و خطا کند، هرگز خواهان دین و آیین نیست و شبهات را با یقین می آمیزد. برای چنین کسی دست برداشتن و درنگ کردن در راه خود بصلاح نزدیک تر است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly